

فصل‌نامه بین‌المللی علمی _ تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال ششم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۲ (۱۱۹-۱۳۱)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/JMZF.2023.179047

DOR: 20.1001.1.26453894.1402.6.13.7.2

کاربرد دستوری ضمائر در زبان عربی و فارسی دری

نقیب الدین نقی، عنایت الله شهاب، عبدالهدی رفعت^۳

چکیده

ضمیر یکی از مباحث بسیار مهم دستوری است که بیشتر دستورنویسان در زبان‌های گوناگون از آن بحث کرده‌اند و به تعریف آن پرداخته‌اند و اقسام گوناگون برای آن برشمرده‌اند. برخی دستورنویسان ضمیر را ذیل واژگان مستقل آورده‌اند و برخی دیگر، به آن اسم گفته‌اند. در تقسیم‌بندی‌های ثانوی نیز تفاوت‌های متعددی در انواع ضمیر در میان دستورنویسان به چشم می‌خورد. در این پژوهش، بناء ضمائر در دو زبان فارسی و عربی، معیار بحث است؛ زیرا ضمائر در ترکیب جملات از دیدگاه دستوری نقش‌آفرینی می‌کند که همین نقش‌آفرین در دستور باعث زیبایی و استواری کلام می‌شود. بر این اساس بررسی تفاوت و شباهت ضمائر در دستور زبان عربی و فارسی امری بایسته می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: ضمائر، انواع ضمیر، ضمیر در فارسی، ضمیر در عربی و فارسی.

۱. استادیار (پوهنیار) گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بلخ، افغانستان (نویسنده مسئول).

naqibuddinnaqi1990@gmail.com

۲. استادیار (پوهنیار) گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سید جمال‌الدین کنر، افغانستان.

enayatshihab2@gmail.com

۳. استادیار (پوهنیار) گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لغمان، افغانستان.

abdulhodar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

۱. مقدمه

در دستور زبان از مبحث عمده آواشناسی، صرف (سازه‌شناسی) و نحو (دستور) بحث می‌شود. ضمیر واژه‌ای پُربسامد است که در همهٔ زبان‌هاست وجود دارد. بررسی و توصیف ضمیر یکی از مباحث مهم در دستور محسوب می‌شود که در آثار غالب دستورنویسان فصلی را به آن اختصاص داده‌اند. بعضی ضمیر را جزو واژگان مستقل آورده‌اند و برخی دیگر جزو اسم. در تقسیم‌بندی‌های ثانوی نیز تفاوت‌های متعددی در انواع ضمیر در میان دستورنویسان وجود دارد. بررسی و تأمل بر ضمائر بسیار مهم است؛ زیرا در ترکیب جمله‌ها از دیدگاه دستوری نقش‌آفرینی می‌کند که همین نقش‌آفرین در دستور باعث زیبایی و استواری کلام می‌شود.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

به واژگانی که جانشین اسم می‌شوند و برای اشاره استعمال می‌شوند و از تکرار آن اسم جلوگیری می‌کنند، ضمیر می‌گویند. در زبان عربی نیز مانند زبان فارسی، ضمائر وجود دارند؛ اما تفاوت زیادی بین ضمائر در عربی و ضمائر در فارسی وجود دارد که بررسی آن‌ها در تحلیل متون در هر دو زبان بسیار مهم است. بر این اساس در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

- کاربرد ضمائر و انواع آن در زبان عربی چگونه است؟
- کاربرد ضمائر فارسی در زبان فارسی چگونه است؟
- کاربرد ضمائر در زبان فارسی و عربی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند دارد؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی پژوهش بررسی تطبیقی ضمائر در زبان عربی و فارسی است تا مشخص کنیم که ضمائر در عربی و فارسی چگونه به کار گرفته می‌شود و تفاوت‌ها و

شباهت‌های آنان در چیست که این کار جدای از تطور نحوی در دو زبان، می‌تواند ما را با چگونگی ارتباط نحوی دو زبان آشنا کند.

۳-۱. پیشینه تحقیق

با جست‌وجو در منابع الکترونیکی و چاپی، به پژوهشی که به‌طور اختصاصی موضوع مورد تأمل ما را واکاوی کرده باشد، دست نیافتیم؛ بر این اساس مقاله حاضر در نوع خود بی‌سابقه است. اما به پژوهش‌هایی می‌توان اشاره کرد که در راستای این پژوهش است:

- «تسامح در کاربرد اصطلاحات دستوری: ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی، ضمیر اضافی» (۱۳۷۲) از حسینعلی یوسفی: در این مقاله نویسنده به تفکیک ضمائر فاعلی و مفعولی و اضافی پرداخته است و موارد خلط این ضمائر را بررسی کرده است.

- «ضمیر متصل و قید» (۱۳۴۳) از خسرو فرشیدورد: در این مقاله قیده‌های متصل به ضمائر با استناد به متون ادبی بررسی شده است.

- «ضمیر پنهان در زبان فارسی» (۱۳۸۰) از مهدی مشکوه‌الدینی: در این مقاله پدیده دستوری ضمیر پنهان و ویژگی‌های آن به‌عنوان مقوله پنهان یا تهی در دستور زبان فارسی واکاوی شده است.

- «تحلیلی بر تعریف‌ها و کارکردهای ضمیر در زبان فارسی» (۱۳۹۵) از امید مجد و سامر الاحمد: در این مقاله نویسندگان پس از بررسی تمام نظرات دستورنویسان و نقد و تحلیل هرکدام از آن‌ها، به جمع‌بندی نهایی راجع به تعریف دقیقی از ضمیر و انواع آن دست زده‌اند.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. ضمیر و انواع آن در زبان عربی

در نحو عربی، ضمیر بر دو قسم است: متصل و منفصل. ضمیر متصل و منفصل نیز خود بر سه نوع است: مرفوعی، منصوبی و مجروری. ضمائر متصل مرفوعی، به فعل متصل می‌شوند و در صرف فعل نیز با آن همراه هستند. ضمائری مرفوعی که به فعل ماضی متصل می‌شوند با ضمائری که به فعل مضارع و امر متصل می‌شوند، تفاوت دارند (ر.ک: ابن عقیل، ۱۳۸۹هـ: ۳۴۳؛ نیز دقر، ۱۳۸۱: ۲۸۸؛ شرتونی، ۱۴۲۴: ۲۲۵). ضمائر متصل منصوبی و ضمائر متصل مجروری از جهت لفظ یکسان هستند و فقط از نشانه‌هایی که در کلام وجود دارد، مجرور یا منصوب بودنشان فهمیده می‌شود (ر.ک: أبو البقاء، ۱۹۹۵م: ۳۲۴).

ضمائر متصل و منفصل در این موارد به کار گرفته می‌شوند: قبل از ضمیر، کلمه‌ای وجود نداشته باشد، ضمیر منفصل آورده می‌شود؛ مانند هُوَ یَضْرِبُ. اگر قبل از ضمیر کلمه‌ای وجود داشته باشد چند صورت وجود دارد:

- آن کلمه «إِلَّا» باشد، ضمیر منفصل آورده می‌شود؛ مانند مَا ضَرَبَ إِلَّا هُوَ.

- آن کلمه «و» باشد، ضمیر منفصل آورده می‌شود؛ مانند ضَرَبْتُكَ وَ هُوَ.

- آن کلمه غیر از «إِلَّا» و «و» باشد، ضمیر متصل آورده می‌شود؛ مانند زِيدٌ جَاءَ غَلَامَةً (استرابادی، ۱۹۸۲م: ۲۶۳؛ نیز ر.ک: الجزائری، ۱۳۹۱ ش: ۴۵).

۲-۲. ضمیر متصل

این ضمائر به فعل متصل می‌شوند و در صرف فعل نیز با آن همراه هستند.

- ضمائر متصل مرفوعی: این ضمائر به فعل متصل می‌شوند و در صرف فعل نیز با آن همراه هستند. ضمائری که به فعل ماضی متصل می‌شوند، با ضمائری که به فعل مضارع و امر متصل می‌شوند، متفاوت‌اند.

- ضمایر متصل مرفوعی در ماضی: غایب؛ مذکر «هو»، «ا» و «و»/ مؤنث «هی»، «ا»، «ن»/ مخاطب: مذکر «ت»، «تما» و «تم»، مؤنث «ت»، «تما» و «تن»/ متکلم: مذکر و مؤنث «ت» و «نا».

- ضمایر متصل مرفوعی در مضارع و امر: غایب مذکر «هو» مستتر، «ا» و «و»/ مؤنث «هی» مستتر، «ا» و «ن».

مخاطب: مذکر «أنت مستتر»، «ا»، و «و»/ مؤنث «ی»، «ا» و «ن»/ متکلم مذکر و مؤنث: «أنا» مستتر و «نحن» مستتر.

- ضمایر متصل منصوبی: غایب: مذکر «ه»، «هما» و «هم». مؤنث «هی»، «هما» و «هن»/ مخاطب «ک»، «کما» و «کم»/ مؤنث «ک»، «کما» و «کن»/ متکلم مذکر و مؤنث: «ی» و «نا».

- ضمایر متصل مجروری: غایب: مذکر «ه»، «هما» و «هم»/ مؤنث «هی»، «هما» و «هن»/ مخاطب: مذکر «ک»، «کما» و «کم»/ مؤنث «ک»، «کما» و «کن»/ متکلم مذکر و مؤنث: «ی» و «نا» (ابن عقیل، ۱۳۸۹هـ: ۳۴۳؛ نیز دقر، ۱۳۸۱: ۲۸۸-۲۸۹).

- ضمایر متصل منصوبی و ضمایر متصل مجروری از جهت لفظ یکسان‌اند و تنها از نشانه‌هایی که در کلام وجود دارد، مجرور یا منصوب بودنشان فهمیده می‌شود.

۲-۳. ضمیر منفصل

- ضمایر منفصل مرفوعی: غایب: مذکر «هو»، «هما» و «هم»/ مؤنث «هی»، «هما» و «هن»/ مخاطب: مذکر «أنت»، «أنتما» و «أنتم»/ مؤنث «أنت»، «أنتما» و «أنتم»/ مؤنث «أنت»، «أنتما» و «أنتن»/ متکلم: مذکر و مؤنث «أنا» و «نحن».

- ضمایر منفصل منصوبی: غایب مذکر «إياه»، «إياهما» و «إياهم»/ مؤنث: «إياها»، «إياهما» و «إياهن»/ مخاطب مذکر «إياک»، «إياکما» و «إیاکم»/ مؤنث «إیاک»، «إیاکما» و «إیاکن»/ متکلم مذکر و مؤنث: «إیای» و «إیانا» (أبولبقاء، ۱۹۹۵م: ۳۲۴؛ دقر، ۱۳۸۱: ۲۸۸-۲۸۹).

۴-۲. ضمیر و انواع آن در زبان فارسی

برای ضمیر تعاریف متنوع و متعددی ارائه شده است؛ به‌عنوان مثال: «ضمیر اسمی است که جانشین اسم دیگر شود و تصریف گردد؛ یعنی بر اول شخص یا دوم شخص یا سوم شخص دلالت کند ... اسمی که ضمیر جانشین آن می‌شود مرجع نام دارد» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۴۴)؛ «اسم کنایه‌ای است که جای اسم صریحی را می‌گیرد و آن اسم صریح را مرجع آن ضمیر نامند» (خیامپور، ۱۳۸۸: ۳۱)؛ «ضمیر کلمه‌ای است که به‌جای اسم یا گروه اسمی می‌نشیند یا به شخصی یا چیزی در عالم خارج اشاره می‌کند» (انوری و گیوی، ۱۳۸۹: ۱۸۶؛ نیز ر.ک: خانلری، ۱۳۸۸: ۵۹؛ کامیار، ۱۳۸۹: ۱۰۲؛ ارژنگ، ۱۳۸۷: ۳۲؛ خطیب رهبر، ۱۳۸۱: ۱۳۵؛ وفایی، ۱۳۹۲: ۱۳۷؛ مدرسی، ۱۳۸۷: ۲۲۵؛ شریعت، ۱۳۸۴: ۲۳۳؛ پنج استاد، ۱۳۸۷: ۸۸).

دستورنویسان ضمیر را بر انواعی تقسیم کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی اتفاق نظر وجود ندارد و هر شخص بنا به دلایل خود ضمیر را بر انواعی دانسته است و اقامه دلیل کرده است. مهم‌ترین این انواع عبارت‌اند از: ضمیر شخصی و مشترک، ضمیر اشاره، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم، ضمیر تعجبی، ضمیر متقابل، ضمیر اختصاص، ضمیر موصولی.

۴-۲-۱. ضمایر مشترک و شخصی

ضمایر مشترک، ضمایری هستند که هریک از آن‌ها برای اول و دوم شخص و سوم شخص مفرد یا جمع استعمال می‌شود. در زبان فارسی سه ضمیر مشترک وجود دارد که عبارت‌اند از: خود، خویش، خویشان. این ضمیرها بسیاری از حالات اسم را به خود می‌گیرند.

ضمایر شخصی، ضمایری هستند که برای تعیین شخص یا اشخاص حاضر و غایب و متکلم به کار می‌روند و به دو دسته جدا/منفصل) و پیوسته/متصل تقسیم می‌شوند.

ضمایر شخصی جدا یا منفصل ضمایی هستند که همیشه به‌طور جدا و مستقل از کلمات دیگر به کار می‌روند که عبارت‌اند از:

ضمایر شخصی منفصل

اول شخص	من	اول شخص	ما
مفرد		جمع	
دوم شخص	تو	دوم شخص	شما
مفرد		جمع	
سوم شخص	او	سوم شخص	ایشان
مفرد		جمع	

ضمایر شخصی جدا، تمام نقش‌های اسم، جز بدل و به‌ندرت نقش منادا را می‌پذیرند.

ضمایر شخصی پیوسته یا متصل ضمایی هستند که هرگز به‌تنهایی و جداگانه به کار نمی‌روند، بلکه همیشه به کلمه قبل از خود می‌چسبند. به این نوع ضمیر شخصی، ضمیر غیر فاعلی نیز گفته می‌شود (ر.ک: خانلری، ۱۳۸۸: ۶۰ و ۲۰۳؛ کامیار، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۵؛ مدرسی، ۱۳۸۷: ۲۲۶ و ۲۳۲؛ شریعت، ۱۳۸۴: ۲۳۴ و ۲۴۵؛ خیامپور، ۱۳۸۸: ۳۲؛ انوری و گیو، ۱۳۸۹: ۱۸۶ و ۱۸۹).

ضمایر شخصی متصل غیر فاعلی

اول شخص	م	اول شخص	مان
مفرد		جمع	
دوم شخص	ت	دوم شخص	تان
مفرد		جمع	
سوم شخص	ش	سوم شخص	شان
مفرد		جمع	

برخی دستورنوسان (فرشیدورد، خطیب رهبر، شریعت و پنج استاد) ضمایی را که به افعال در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود، نوعی ضمیر می‌دانند. بر این اساس این ضمائر اگر نهاد (یعنی فاعل یا مسندالیه) واقع شوند، عبارت‌اند از:

ضمائر شخصی متصل فاعلی

ما	اول شخص	م	اول شخص
	جمع		مفرد
شما	دوم شخص	ی	دوم شخص
	جمع		مفرد
ایشان	سوم شخص	—	سوم شخص
	جمع		مفرد

۲-۴-۲. ضمیر اشاره

ضمیری است که مرجع آن به اشاره معلوم می‌شود و بر چهار نوع است (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۷: ۲۲۵):

این
آن
این یکی
آن یکی

مثال:

- ولیک آشتی به که پرخاش و جنگ که این داغ و درد آرد آن آب و رنگ

(به نقل از خیامپور، ۱۳۸۸: ۳۲)

- این یکی شیر است اندر بادیه آن یکی شیر است اندر بادیه

این یکی شیر است که آدم می‌خورد و آن یکی شیر است که آدم می‌خورد

(مولوی، ۱۳۸۸: ۱/۲۳)

انوری و گیوی می‌گویند: «ضمیری است که مرجع آن به اشاره معلوم می‌شود و

آن همان دو کلمه این و آن و ترکیبات آن‌هاست که اگر همراه اسم بیایند، صفت

اشاره نامیده می‌شوند؛ ولی اگر به‌تنهایی و بی‌همراهی اسم بیایند، آن‌ها را ضمیر اشاره

می‌نامند؛ مانند: این را بگیر و آن را بیاور» (۱۳۸۹: ۱۹۳؛ نیز ارژنگ ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷؛ خطیب رهبر، ۱۳۸۱: ۱۴۶ و ۱۴۸؛ پنج استاد، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

۲-۴-۳. ضمیر پرسشی

ضمیری است که به جای اسم می‌آید و در جمله نقش اسم می‌پذیرد؛ مانند که رفت؟ / کدامین را دوست داری؟ و ... در ضمیر دانستن واژه‌هایی پرسشی اختلاف نظر وجود دارد. کسانی مانند مدرسی (۱۳۸۷: ۲۱۷)، کامیار (۱۳۸۹: ۱۰۴)، شریعت (۱۳۸۴: ۲۴۸)، خطیب رهبر (۱۳۸۱: ۱۶۰) ضمیر پرسشی را از انواع ضمیر می‌دانند و برخی دیگر بر این عقیده نیستند.

۲-۴-۴. ضمیر مبهم

واژه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و کسی یا چیزی را به طور نامعین و نامشخص بیان می‌کند:

- هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد در خرابات بگویند که هشبار کجاست (حافظ، ۱۳۶۷: ۳۴)

- هر که آمد عمارتی نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت (سعدی، ۱۳۹۱: ۵۲)

۲-۴-۵. ضمیر تعجبی

در تعریف این ضمیر آمده است، هرگاه «چه» بدون اسم به کار بیاید و مفهوم شگفتی برساند، ضمیر تعجب می‌گویند (ر.ک: وفایی، ۱۳۹۲: ۱۳۷)؛ مثال: چه خوب!

۲-۵. تفاوت‌های ضمیر در زبان عربی و فارسی

ضمایر در همه زبان‌ها یکسان نیست، در بعضی زبان‌ها بیشتر و در بعضی کمتر است. در زبان عربی ضمایر شخصی مانند صیغه‌های فعل، چهارده است، در صورتی که در فارسی فقط شش عدد است.

در زبان فارسی تذکیر و تأنیث یعنی تشخیص و تمیز نر و ماده در صورت کلمات محل اعتبار نیست و در شمار هم تثنیه یعنی جمع دو تایی نیست و کلمات دلالت بر یکی نماید تک و یا مفرد و چون دلالت بر بیشتر از یکی نماید خواه دو تا باشد خواه زیادتر جمع است؛ از این رو ضمائر و صیغه‌ها سهل‌تر و مختصرتر از عربی است و منحصر می‌شود در شش صیغه (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۳۲).

در زبان فارسی سه شخص تشخیص داده می‌شود که هر یک از آن‌ها یا مفرد است یا جمع یعنی سه شخص در شش صورت.

ضمیرهای شخصی دلالت دارند بر شخص گوینده یا اشخاص گوینده؛ شخصی که با او گفت‌وگو می‌شود یا اشخاصی که با آن‌ها گفتگو می‌شود؛ شخصی که از او یا درباره او گفت‌وگو می‌شود یا اشخاصی که از آن‌ها یا درباره آن‌ها گفت‌وگو می‌شود.

تمام حالاتی که برای اسم پیدا می‌شود برای ضمیر نیز وجود دارد؛ یعنی یکم فاعل فعل و مبتدا واقع می‌شود، مانند من دیدم، تورفتی، او آمد؛ دوم، مفعول صریح یا مفعول بی‌واسطه واقع می‌گردد، مانند او مرا دید، ایشان را دیدیم، شما را می‌بینند؛ سوم، مفعول غیر صریح یا مفعول به واقع می‌شود، مانند به من گفت (گیوی و انوری، ۱۳۹۰: ۳۲۱)؛ چهارم، مفعول عنه واقع می‌شود، مانند از من، از تو، از او، از ما، از شما، از ایشان؛ پنجم، مفعول فیه واقع می‌شود، مانند در من اثر کرد، (در تو، در او، در ما، در شما، در ایشان)؛ ششم مضاف‌الیه واقع می‌شود، مانند کتاب من، خط تو، دفتر او، خانه ما، باغ شما، عقل آن‌ها، در ایشان.

ضمائر در فارسی مضاف واقع نمی‌شوند و اگرچه در عبارت «من بی‌چاره» و غیره نون من کسره دارد؛ این کسره توصیفی است و فقط در صیغه اول شخص مفرد به این شکل گفته می‌شود و در پنج صیغه دیگر، بدون کسره گفته می‌شود، مانند تو بیچاره، او بیچاره، ما بیچاره، ایشان بیچاره و با جمع نیز درست باشد، چون ما بیچارگان منتهی طریقه جمع سازی مختلف است.

این ضمائر در هریک از حالات شش‌گانه که در بالا گفته شد، واقع شوند تغییر در حروف اصلی آن‌ها عارض نشود مگر اول شخص مفرد (من) که چون مفعول صریح واقع گردد (ن) آخر آن باید حذف شود، همچنین (و) بدل حرکت در دوم شخص مفرد هنگامی که مفعول صریح باشد، باید حذف شود و مرا و ترا گویند و نویسند (ر.ک: سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

۳. نتیجه‌گیری

حاصل این پژوهش نشان داد که بسامد ضمیر در دو زبان عربی و فارسی دری بالا است و بسیار با اهمیت است. استعمال ضمیر در زبان عربی بیشتر از زبان فارسی است. ساختار زبان عربی باعث ایجاد تفاوت‌هایی در استعمال ضمیر شده است. اولین تفاوت مؤنث و مذکر بودن است. در زبان فارسی اهمیت ندارد که آن شخص دختر است یا پسر؛ بر این اساس هنگام اشاره می‌گوییم «او»؛ اما در زبان عربی باید نوع اشاره مشخص شود که دختر است یا پسر. تفاوت اساسی دیگر این است که در زبان فارسی فرقی بین دو نفر و چند نفر قائل نیستیم؛ بر این اساس اگر بخواهیم به دو نفر اشاره کنیم، می‌گوییم «آن‌ها» به تعداد بیشتر از دو نفر هم بخواهیم اشاره کنیم از همین ضمیر استفاده می‌کنیم؛ اما در زبان عربی دو نفر را از دیگر جمع‌ها جدا می‌کنند.

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها

۱. ابن عقیل، عبدالله (۱۳۸۹)، *الفیه*، شرح سید علی حسینی، قم: انتشارات دارالعلم.
۲. أبو البقاء محب‌الدین عبدالله بن الحسین بن عبدالله (۱۹۹۵)، *اللباب فی علل البناء والإعراب*، تحقیق غازی مختار طلیمات، دمشق، دار الفکر.
۳. احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن (۱۳۸۹)، *دستور زبان فارسی ۲*، چاپ ششم،
۴. ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۷)، *دستور زبان فارسی امروز*، چاپ پنجم، تهران: قطره.
۵. استرابادی، رضی‌الدین (۱۹۸۲)، *شرح شافیه ابن حاجب مع شرح شواهد*، حققهما محمدنورالحسن، محمدالزفراف، محمد محیی‌الدین عبدالحمید، لبنان: دارالکتب العلمیه.
۶. پنج استاد (۱۳۸۷)، *دستور زبان فارسی*، چاپ چهارم، تهران: ناهید.
۷. الجزائری، السید حمید (۱۳۹۱ش)، *النحو الجامع*، قم: مرکز المصطفی‌العالمی للترجمه و النشر.
۸. حافظ، خواجه شمش‌الدین (۱۳۶۷)، *دیوان*، به تصحیح غنی و قزوینی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۹. خطیب رهبر، خلیل (۱۳۸۱)، *دستور زبان فارسی*، چاپ اول، تهران: مهتاب.
۱۰. خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۸)، *دستور زبان فارسی*، چاپ چهاردهم، تهران: ستوده.
۱۱. دقر، عبدالغنی (۱۳۸۱)، *معجم النحو*، ترجمه فاطمه مدرسی، چاپ اول، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
۱۲. شرتونی، رشید (۱۴۲۴هـ)، *مبادی العربیه ۴*، تنقیح حمید محمدی، قم: دار الذکر للتحقیق و النشر.
۱۳. شریعت، محمدجواد (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی*، چاپ هشتم، تهران: اساطیر.

۱۴. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸)، *دستور مفصل امروز*، چاپ سوم، تهران: سخن.
۱۵. مدرسی، فاطمه (۱۳۸۷)، *از واج تا جمله*، تهران: چاپار
۱۶. مصلح بن عبدالله، سعدی (۱۳۹۱)، *گلستان*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ دهم، تهران: خوارزمی.
۱۷. نائل خانلری، پرویز (۱۳۸۸)، *دستور زبان فارسی*، چاپ بیست و دوم، تهران: توس.
۱۸. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۹)، *دستور زبان فارسی ۱*، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۲)، *دستور توصیفی*، چاپ اول، تهران: سخن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی